



۲۰۱۷/۰۸/۱۲



مصطفی «عمرزی»

## " بازگشت سقوی "

### The Saqawi Return



در سینما، فلم هایی که ظاهراً جلب توجه می کنند، بدون اهمیت مساله ی محتوا، هدفمندی و پیام سازنده، به وسایل مولد برای سرمایه هایی مبدل می شوند که بیشترین از مدرک پوچی، بی هوده گی و گاه ابتذال، اوقات مخاطب را هدر می دهند و تا چند قسمت بعدی عددی، نمونه های زیاد دارند. در تکرار مکررات تاریخی، سیاسی و اجتماعی ما، شباهت های رویداد ها، به خصوص در دو تجربه ی سیاه تاریخی، به سوژه هایی مانده شده اند که در عجایب ادعای فرهنگ و دیرینه ی به اصطلاح درخشان تاریخی، مدافعانی بیابند که تبارز آنان، با آن همه ادبیات مفخره، پارادوکس اجتماعی- سیاسی می شود تا مشاهده کنیم کسانی که

در برابر واقعیت های مسجل این کشور موضع می گیرند، چه گونه مردمانی اند؟ جبهه ی ضد افغانستان، در چند موضع، ادبیات متفاوت دارد که در تمام انواع، اگر ناراض باشد، انتقاد او سقوط در منجلاب فحاشی ست؛ اگر اهل تاریخ باشد، ابزار او جعلیات تاریخی و اگر اهل اجتماع می شود، حضور او، نمادی از جعل، بی سواد، سنیز با دانش و دشمنی با منطق است.

9 ماهه ی تاریخی تاریخ معاصر افغانستان، در حالی که منزل افول بود، اما در پیامد آن، در چپ و راست مردمان مدعی، به فرهنگی می ماند که چند دهه پس از آن، تحلیل آن رویداد شوم، در متن مدعای گروهی که با گستاخی، اما در سایه ی خارجی، اهل میدان شده است، در شگفتی این حقیقت رسوا می شود که بالاخره منتقدان منظر تاریخ افغانستان، اگر اهل منطق باشند و اصول اخلاق را رعایت کنند، نمی توانند بدون عصبیت قومی به ابزاری متوسل شوند که دو روی یک سکه ی سیاه تاریخی ست؟

تحلیل های عجیب که فلم ارتجاع سقاوی را به به قسمت چهارم می رسانند، در مخطوطاتی به سیاهی می رسند که در همه جای آن ها، مصرف کننده گان ادبیات نقد، اما در جایگاه خیالی و توهمی کسانی که در کمترین های تاریخی، ثبوت هیچ اند- ویرانی، عقب گرایی و ابتذال را صرف در ملاحظه ای توجیه کنند که اگر کننده گان، همتیار باشند، مشکلی نیست.

چهره های مردمان بی چاره، فقیر، محروم، بی سواد، بی فرهنگ و حتی بی هویت، زیرا سوانح تاریخی روشن ندارند، در نمایش خیابانی در سالیان تظاهر و توریید، در حالی که زیر پرچم چهل ارتجاع نخستین، در این سلسله، سلاله ی همان گذشته گان متوفایند، تمایل آنان در ایفای نقش مخرب، در حالی به ظهور می رسد که طیف به اصطلاح باسواد و فرهنگی، در بی منتهای ادبیات نقد، به ورطه ی فساد فرهنگی افتیده اند و در یادفراموشی ارزش هایی که انسانی اند، نمی توانند خودشان را قناعت دهند که سهم همتیاران آنان در زیان های تاریخی به افغانستان، بیشتر از کسانی ست که در طی چند قرن اخیر، این کشور را بازآفرینند.

پارادوکس موضع شریپسندان، توجه می دهد که تحریف آنان از تاریخ، تمایل به گستاخی و هتک حرمت، تعمیم فرهنگ ابتذال و فحاشی، نه فقط بسته به روان پریشان آنان در خالیگاهی ست که در تاریخ، کمتر بوده اند، بل هست آنان در تاریخ مردمانی خلاصه می شود که در بند خدمت، اما خواست قدرت را افسانه و قصه می سازند. بی هیچ نیست که بزرگ ترین کتاب های افسانه یی و تخیلی، بر امواجی پراکنده می شوند که یک گروه زیر دست، خودشان را در دنیای تخیل، سواره ببینند.

ترسیم هراس از مجموعه ی اوباش، باعث دلگرمی و قوت قلب کسانی شده است که در پارادوکس ادعا و ظهور، از منطق فرار می کنند و فقط دوست دارند هر وسیله ای، بهانه شود و غایت آن، همان دلخواسته ای باشد که تجربه ی ما از بدترین حاکمیت های تاریخ معاصر (دو سقاوی) بود.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالې دليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

تحلیل چهارم از ارتجاع داخلی، در زمینه ای تعریف می شود که ظاهراً نقش سوم در جبهه ی عقب نشینی، زمانی که خارجیان وارد جنگ افغانستان می شوند، در متن نظام، به گونه ای متداخل است که اثرات منفی سیاسی آن، دولت های پس از امارت اسلامی طالبان را در عوارض داخلی نظام، به خود می پیچد و این تضعیف، موقع می سازد صورت اجتماعی زشت، در زشتی تمایلات برای تخریب، اجتماعی را تهدید کند که طیف مدعی به اصطلاح اهل فرهنگ و سواد، نیرو هایی غیر متعارفی می دانند که اگر متعارف شوند، گویا با فشار فزاینده ی آنان، هرچند انحصارات با کسب درآمد های نامشروع، معضلات مردم را بیشتر می کنند، اما حضور یک گروه تاریخی فاسد و ناکام را تداوم می بخشند. در واقع استمرار سیاسی، در حالی که به بدترین نوع انحصارات یک اقلیت قومی- منطقه یی رسیده است، مخالفان را تحریک می کند با نمایش تمامی انواع تهدید، به گونه ای نهادینه شوند. و اما، هیچ نیرنگ، ریا و غبنی، در جای فرهنگ راستی، راست نیامده است تا در تکرار تاریخی، چیزی بیشتر از آنی شود که پیامد ارتجاع داخلی بود. معنی واضحی در این تبیین وجود دارد که اگر تحرک ارتجاعی، موقع و فرصت می سازد و در انجام آن، در مثال های تاریخی، کسانی را راحت می کنند که چهار نعل می تازند، جلو می روند و اما فراموش می کنند که اخذ لقمه ی بزرگ تر از دهان، آنان را رنجور می کند. سقاوی گری در افغانستان، در هر چهره ای، اگر مرعوب کند، دو معنی واضح دارد: سقوط رسوا و فرصت هایی که در سرکوب ارتجاع داخلی، بزرگان و قهرمانان زیادی را معرفی و تاریخی کرده است.

حس می شود، بحث عدالتی اجتماعی، منافع ملی و وحدت فکری، نیازمند تطهیر فکری از آلودگی هایی است که با توجیه زشتی های قومی، مدعیان زمینه ی سیاسی، اجتماعی و تاریخی را در مهمیز به حیوان بی زبان، واداشته است با خلط مفاهیم خوب و بد، در جامعه ای که به شدت نیازمند اجتناب از تکرار اشتباهات است، به تقویت جناح هایی کمک کند که اگر هار و حاد شده اند، میزان آسیب های آنان، هویت نمی شناسد. در واقع توسل به زشتی ها که در جلد فرهنگ ادعا، ژاژخواهی و عداوت ارایه می شود، در حالی که جنبه ی اهل سواد و طرف در افغانستان را نشان می دهد، میزان عدم اعتماد بر کرداری را باعث می شود که با نشات از گویا اهل خبره، در سقوط مفاهیمی ممد شوند که در تاریخ بلایای معاصر، مسایل واضح مدنی، فرهنگی و ارزشی در ساماندهی، نظم و رفاه شمرده می شوند.

### شرح تصاویر زیر:

پیروان ارتجاع نخستین. هشت دهه پس از توبیخ تاریخی دشمنان دانش، فرهنگ، خیر و مردم، تابعان آنان، مردمانی



اند که در همنوع بودن و همتباری، هیچ تفاوتی نکرده اند. هشتاد سال پیش نیز مردم ما خجل شدند که رؤسین حکومتی در افغانستان (سقاوی اول)، بی فرهنگ، جاهل، بی سواد و بی هویت بودند و هشتاد سال پس از آنان، سمبول های جهل، بی فرهنگی، بی سواد و دشمن دانش، کسانی اند که از آنان پیروی می کنند. نصب پوستر هایی که با اغلاط فاحش نوشتاری تاریخی شدند، در تصاویر فوق، کسانی را نشان می دهند که وقتی انتقاد کنند، با حربه ی «چه کرده اند؟»، سراغ تاریخی می روند که نقش همتباران شان در وارد کردن زیان ها، بلایای ارتجاع اول بود و در ارتجاع دوم، بدتر از بد شدند. پیروان سقاویسم در افغانستان، در جایی که جرات دارند اجتماعی شوند، همانند افراد تصاویر دیده شده، با آن اسناد بی سواد محض، که حتی «چهار راه» را غلط نوشته اند، می توانند تحلیل سقاوی چهارم را راست کنند، اما با انجام افتضاح، رسوایی و شرمنده گی.

د پانوی شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پټه له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی